



عن عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

﴿لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ بِسَفْكِ الْمُهْجِ وَ خَوْضِ اللَّجَجِ﴾

الكافي، جلد ۱، صفحه ۳۵

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظایفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

جوسازی رسانه‌ای، مصداق وسواس خناس در جامعه

شناسنامه مطلب	
e-m-132	کد مطلب
منطق / مفهوم و مصداق	موضوع
صرف / لغت / نحو	موضوع مرتبط
علمی / علوم عقلی / منطق / تحقیقی پژوهشی / دانش منطق	رده
وسواس، خناس، جوسازی رسانه‌ای، مفهوم، مصداق، مقام معظم رهبری	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، مقابله‌ی دشمن با ایجاد تحول در عرصه‌های مختلف کشور را مصداقی از وسواس خناس می‌دانند و در این باره چنین می‌فرمایند:

یک نکته‌ی دیگر این است که تحوّل کار بسیار دشواری است. گفتنِ به زبان آسان است که تحوّل ایجاد کنید؛ لکن تحوّل در عمل خیلی کار مشکلی است؛ علّت هم این است که مقاومت‌هایی در مقابل تحوّل هست. بعضی مقاومت‌ها از روی سوء نیت نیست؛ بعضی‌ها حال و حوصله‌ی تغییرات بنیانی را ندارند، بعضی‌ها توانش را ندارند، بعضی هم ممکن است از وضع موجود منتفع باشند و نخواهند این وضع، تغییر پیدا بکند؛ البته در بیرون دستگاه قضائی هم شبکه‌ی درهم‌تنیده‌ی مجرم و مفسد و مانند اینها هم هست که اینها هم قهراً مخالفند؛ پشت سرهمی اینها هم نگاه دستگاه‌های دشمن و معاند با نظام جمهوری اسلامی است که اصلاً هر حرکت اصلاحی در هر جای جامعه‌ی اسلامی اتّفاق بیفتد، اینها ناراحت میشوند، مقابله میکنند، جوسازی میکنند. اینها مخالفینند؛ مخالفین هم آرام نمی‌نشینند.

شما با قوّت، با روحیه، با شجاعت وارد میدان تحوّل میشوید، آنها هم آرام نمی‌نشینند، آنها هم شروع میکنند به مقابله کردن. جوسازی میکنند؛ گاهی اوقات جوسازی‌های رسانه‌ای است، جوسازی‌های پیگیر است، در افکار عمومی مردم وسوسه ایجاد میکنند که واقعاً یکی از مواردِ «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ» اینجا است.

یکی از کارهایی که میتوانند بکنند این است که عزم راسخ سردمداران تحوّل را متزلزل کنند؛ دائماً مشورت‌های گوناگون که «این کار مصلحت نیست»، نگذارند این کار انجام [بشود]. بنابراین، مقاومت در مقابل تحوّل، از [جانب] این جناح‌های مختلفی که اشاره کردیم فراوان خواهد بود.^۱

سوال اصلی در این فایل، این است که «چگونه جوسازی رسانه‌ای، یکی از مصادیق و وسواس خناس می‌باشد؟»

برای رسیدن به جواب این سوال، ابتدا باید برخی مطالب بررسی شود تا با استفاده از آنها، بتوانیم صدق مفهوم وسواس خناس بر جوسازی رسانه‌ای را متوجه شویم.

۱- بیانات در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه - ۱۳۹۹/۰۴/۰۷

ابتدا «مفهوم» و «مصدق» را تعریف کرده، سپس دو کلمه «الوسواس» و «الخناس» را در آیه شریفه «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ^۱» از جهت معنا بررسی کرده و پس از آن، نظر امام خامنه‌ای مدظله العالی را درباره مصداق این کلمات بررسی می‌کنیم.

مفهوم

مؤلف کتاب دانش منطق، در تعریف و اقسام مفهوم چنین می‌نویسد:

هر صورتی که در ذهن وجود دارد. صورتی که چون آینه نشان دهنده حقیقتی است؛ خواه این صورت به سبب لفظ در ذهن تحقق یابد، یا با مشاهده وجود خارجی شیء و یا به گونه دیگر.

بر دو قسم است:

- مفهوم کلی: مفهومی که بر بیش از یک مصداق، قابل صدق است؛ مانند انسان و اقیانوس.
- مفهوم جزئی: مفهومی که تنها بر یک مصداق، قابل صدق است؛ مانند: علی، ایران، مشهد.

مصدق

همچنین وی در تعریف مصداق چنین می‌نویسد:

آنچه مفهوم بر آن صدق می‌کند؛ مثلاً «محمد» و «علی» که مصداق مفهوم «انسان» هستند. به عبارت دیگر، لفظ حاکی از مفهوم و مفهوم حاکی از مصداق است.

باید دانست مصداق یک مفهوم، گاه حقیقتی خارج از ذهن است؛ مثل مفهوم انسان که مصادیق آن، مانند «محمد» و «علی» در خارج ذهن هستند و گاه افراد مفهوم فقط در ظرف ذهن تحقق دارند؛ مانند «مفهوم کلی» و «تصور» و «تصدیق».

معنای وسواس

در مفردات الفاظ قرآن (صفحه ۸۶۹) درباره معنای این واژه چنین آمده است:

الْوَسْوَسَةُ: الخطرَةُ الزَّيْثَةُ. و أصله من الْوَسْوَاسِ و هو صوت الحلي، و الهمس الخفي.

يقال لهمس الصائد وَسْوَاسٌ.

وَسْوَسَ: اندیشه زشت و ناروا که اصلش از وَسْوَاس - که عبارت از صدای روشن و آهنگ خفی و آرام است. روش آرام و صدای کوتاه و آهسته شکارچی را هم - وَسْوَاس می‌گویند.^۱

در قاموس قرآن (ج ۷، ص: ۲۱۹)، درباره معنای این واژه چنین آمده است:

وَسْوَسَ: وسوسه بمعنی حدیث نفس است یعنی کلامی که در باطن انسان میشود. خواه از شیطان باشد یا از خود انسان.

در مجمع فرموده: وسوسه با صدای آهسته بسوی چیزی خواندن است. «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا»^۲

«وَسْوَسَ لَهُ» یعنی نصیحت و خیر خواهی بنظر او آورد ولی «وَسْوَسَ إِلَيْهِ» یعنی معنا را با صوت خفی باو القاء کرد (مجمع).

شیطان به آن دو وسوسه کرد تا آنچه از عورتشان پنهان بود بر آنها آشکار کند.

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ»^۳

ما انسان را خلق کرده‌ایم و میدانیم آنچه را که باطنش با او سخن می‌گوید (از افکارش اطلاع داریم).

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ. مَلِكِ النَّاسِ. إِلَهِ النَّاسِ. مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ. الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ. مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ^۴

۱- این قسمت در ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، جلد ۴، صفحه ۴۵۱ آمده است.

۲- آیه ۲۰ سوره مبارکه الاعراف

۳- آیه ۱۶ سوره مبارکه ق

۴- سوره مبارکه الناس

وسواس، افکار بی فائده و مضری است که بذهن خطور میکند (افکار باطل). در جوامع الجامع فرموده: «الْوَسْوَسَةُ وَالْوَسْوَاسُ: الصَّوْتُ الْخَفِيُّ».

یعنی: بگو پناه میبرم پروردگار مردم، معبود مردم، حکمران مردم. (آری پروردگار خداست، معبود خداست، پادشاه خداست) از ضرر فکر باطل و مخفی که در سینه‌های مردم سخن میگوید. و آن گاهی از طرف جنّ و شیاطین است که در دل پیدا میشود و گاهی از جانب مردم.

افکار باطله که منشأ کارهای باطل و حرام اند گاهی از جانب شیاطین بقلب القاء میشود و گاهی از مردمان ناپاک در هر صورت فقط پناه بردن بخدا از شرّ آنها مصون میدارد.

در کتاب العین (ج ۷، ص: ۳۳۵) درباره معنای واژه وسواس چنین آمده است:

الْوَسْوَسَةُ: حدیث النفس.

الْوَسْوَاسُ: الصوت الخفي من ریح تهز قصباً ونحوه و به شبهه صوت الحلي.

قال الأعشى: تسمع للحلي وسواساً إذا انصرفت كما استعان بريح عَشْرِقٍ زَجَلْ^۱

و تقول: وَسَوَسَ إِلَيَّ، وَ وَسَوَسَ فِي صَدْرِي، وَ فُلَانٌ مُوسَوَسٌ، أَي: غلبت عليه الْوَسْوَسَةُ.

الْوَسْوَاسُ: اسم الشيطان، في قوله [تعالى]: مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ.

در تفسیر نمونه (ج ۲۷، ص: ۴۷۲)، درباره معنای این واژه چنین آمده:

واژه "**وسواس**" به گفته "راغب" در "مفردات" در اصل صدای آهسته‌ای است که از به هم خوردن زینت آلات برمی‌خیزد! سپس به هر صدای آهسته گفته شده، و بعد از آن به خطورات و افکار بد و نامطلوبی که در دل و جان انسان پیدا می‌شود، و شبیه صدای آهسته‌ای است که در گوش فرو می‌خوانند اطلاق گردیده.

"وسواس" معنی مصدری دارد، ولی گاهی به معنی "فاعل" (و سوسه‌گر) نیز می‌آید، و در آیه مورد بحث به همین معنی است.

ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر (ج ۳۰، ص: ۵۵۵) مینویسد:

الْوَسْوَاسُ: المتكلم بالوسوسة، وهي الكلام الخفي.

قال رؤية يصف صائدا في قترته: وسوس يدعو مخلصا ربّ الفلق فالوسواس اسم فاعل و يطلق الوسواس بفتح الواو مجازا على ما يخطر بنفس المرء من الخواطر التي يتوهمها مثل كلام يكلم به نفسه قال عروة بن أذينة:

و إذا وجدت لها وسواس سلوة
شفع الفؤاد إلى الضمير فسّلها

و التعريف في الوَسْوَاسِ، تعريف الجنس و إطلاق الوَسْوَاسِ على معنیه المجازي و الحقيقي يشمل الشياطين التي تلقي في أنفس الناس الخواطر الشريرة، قال تعالى: «وَسْوَاسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ» و يشمل الوَسْوَاسِ كل من يتكلم كلاماً خفياً من الناس و هم أصحاب المكائد و المؤامرات المقصود منها إلحاق الأذى من اغتيال نفوس أو سرقة أموال أو إغراء بالضلال و الإغراض عن الهدى، لأن شأن مذاكرة هؤلاء بعضهم مع بعض أن تكون سرا لئلا يطلع عليها من يريدون الإيقاع به، و هم الذين يترددون برسول الله صلى الله عليه و سلم الدوائر و يغرون الناس بأذيتّه.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (ج ۲۰، ص: ۳۹۷) می فرماید:

قوله تعالى: «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ» قال في المجمع: **الوَسْوَاسُ** حديث النفس بما هو كالصوت الخفي انتهى فهو مصدر كالوسوسة كما ذكره وذكروا أنه سماعي و القياس فيه كسر الواو كسائر المصادر من الرباعي المجرد و كيف كان فالظاهر كما استظهر أن المراد به المعنى الو صفي مبالغة، و عن بعضهم أنه صفة لا مصدر^۲.

۱- سوره مبارکه طه آیه ۱۲۰

۲- در مجمع البیان، آمده که کلمه "وسواس" به معنای حدیث نفس است، به نحوی که گویی صدایی آهسته است که بگوش می‌رسد، و بنا به گفته وی کلمه "وسواس" مانند کلمه "وسوسة" مصدر خواهد بود، و دیگران آن را مصدری سماعی و بر خلاف قاعده دانسته‌اند، چون قاعده اقتضا می‌کرد "واو" اول این کلمه به کسره خوانده شود، هم چنان که حرف اول مصدر سایر افعال چهار حرفی به کسره خوانده می‌شود. مثلاً می‌گویند: «دحرج، یدحرج، دحراجا و زلزل، یزلزل زلزالا».

به هر حال ظاهر این آیه- همانطور که دیگران نیز استظهار کرده‌اند- این است که: مراد از این مصدر معنای وصفی است، که مانند جمله "زید عدلٌ- زید عدالت است" به منظور مبالغه به صیغه مصدر تعبیر شده است. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص: ۶۸۹)

با توجه به معانی ذکر شده در لغت نامه ها و تفاسیر برای واژه و سواس، قدر مشترک جامع برای این کلمه بدین صورت است:

❖ به معنای کسی است که افکار باطل و منفی را به صورت مخفی و نامحسوس در ذهن انسان ها القا می کند. مصدر به معنای و صفی است و می خواهد شدت این فعل را نشان دهد. مانند مثال «زید عدل» که زید در این مثال، عادل است ولی چنان عدالت از او صادر می شود که کأنه خود عدالت است. در این مثال هم شیاطین چنان افکار پلید و باطل را به صورت مخفی در دل انسان ها القا می کنند که کأنه خود آن وسوسه هستند.

معنای خناس

در قاموس قرآن (ج ۲، ص: ۳۰۸)، درباره معنای این واژه چنین آمده است:

خنس: کنار رفتن. واپس ماندن. پنهان شدن. فَلَا أَقْسِمُ بِالْخَنَسِ الْجَوَارِ الْكُنَسِ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ. تکویر: ۱۵-۱۹.

معنای اولی خنس و خنوس در قاموس و صحاح و تفاسیر به ضاوی و کشاف ذیل سوره ناس، تاخر و واپس ماندن ذکر شده است.

در مجمع البیان میگوید: خمس و کنس هر دو در اصل بمعنی ستر و پوشاندن است شیطان را خناس گویند که هنگام یاد خدا کنار میرود و پنهان میگردد و در تفسیر سوره الناس فرموده: خنوس پنهان شدن بعد از ظهور است.

خلاصه آنکه: خنس و خنوس بمعنی کنار رفتن، واپس ماندن و پنهان شدن است و این معانی قریب بهم اند.

در باره خناس گفته اند نام شیطان است که چون خدا یاد شود منقبض و نهان میگردد. ولی ناگفته نماند: خناس در آیه شریفه صفت و سواس است قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ... مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ

و وسوسه در سینه و قلب آدمی است و بسیار بسیار مخفی و نهان است که آدمی کمتر وجود آنرا حس میکند. لذا باید گفت خناس بمعنی سخت نهان و صفت وسوسه است نه صفت شیطان

آری در ذیل سوره فرموده که این وسوسه از جنّ و مردم بقلب آدمی راه پیدا میکند. معنی آیات چنین است: بگو پناه می‌برم پیروردگار مردم... از شرّ وسوسه که بسیار نهان و پوشیده است و در سینه‌های مردم رفت و آمد میکند. و وسواس اسم وسوسه و جمع آن وسواس است و صفت نیست.

در مجمع البحرین (ج ۴، ص: ۶۷) درباره معنای این واژه چنین آمده است:

فِي تَفْسِيرِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ:

اسْمُ الشَّيْطَانِ الَّذِي هُوَ فِي صُدُورِ النَّاسِ يُوَسْوِسُ فِيهَا يُؤْيِسُهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَيَعْدُهُمُ الْفَقْرَ وَيَحْمِلُهُمْ عَلَى الْمَعَاصِي وَالْفَوَاحِشِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ.

وَعَنِ الصَّادِقِ ع "مَا مِنْ قَلْبٍ إِلَّا وَلَهُ أَذُنَانِ عَلَى إِحْدَاهُمَا مَلَكٌ مُرْشِدٌ وَعَلَى الْأُخْرَى شَيْطَانٌ مُفْتَرٍ هَذَا يَأْمُرُهُ وَهَذَا يَزْجُرُهُ، وَكَذَلِكَ مِنَ النَّاسِ شَيْطَانٌ يَحْمِلُ عَلَى الْمَعَاصِي كَمَا يَحْمِلُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْجِنِّ".

وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ أَنَّهُ قَالَ: "الشَّيْطَانُ عَلَى قَلْبِ ابْنِ آدَمَ، لَهُ خُرْطُومٌ مِثْلُ خُرْطُومِ الْخِنْزِيرِ، يُوسْوِسُ لِابْنِ آدَمَ أَنْ أَقْبِلَ عَلَى الدُّنْيَا وَمَا لَا يُحِلُّ اللَّهُ، فَإِذَا ذَكَرَ اللَّهُ خَسَسَ"

راغب در مفردات الفاظ قرآن (ص: ۳۰۰) می‌گوید:

قوله تعالى: مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

أي: الشيطان الذي يَخْنُسُ، أي: ينقبض إذا ذكر الله تعالى

در تفسیر نمونه (ج ۲۷، ص: ۴۷۳) توضیح واژه را اینگونه مینویسد:

"**خناس**" صیغه مبالغه از ماده "**خنوس**" (بر وزن خسوف) به معنی جمع شدن و عقب رفتن است، این به خاطر آن است که شیاطین هنگامی که نام خدا برده می‌شود عقب نشینی می‌کنند، و از آنجا که این امر غالباً با پنهان شدن توأم است این واژه به معنی "اختفاء" نیز آمده است.

بنا بر این مفهوم آیات چنین است: "بگو من از شر و وسوسه گر شیطان صفتی که از نام خدا می‌گریزد و پنهان می‌گردد به خدا پناه می‌برم". اصولاً "شیاطین" برنامه‌های خود را با مخفی کاری می‌آمیزند، و گاه چنان در گوش جان انسان می‌دمند که انسان باور می‌کند فکر، فکر خود او است، و از درون جانانش جوشیده، و همین باعث اغوا و گمراهی او می‌شود! کار شیطان تزیین است و مخفی کردن باطل در لعبی از حق، و دروغ در پوسته‌ای از راست، و گناه در لباس عبادت، و گمراهی در پوشش هدایت.

جناب ابن عاشور در التحریر و التنویر (ج ۳۰، ص: ۵۵۵ و ۵۵۶) می‌نگارد:

و **الْخَنَاسُ**: الشدید الخنس و الکثیرة. و المراد أنه صار عادة له. و الخنس و الخنوس: الاختفاء. و الشیطان یلقب ب الخَنَاسِ لأنه یتصل بعقل الإنسان و عزمه من غیر شعور منه فکأنه خنس فيه، و أهل المكر و الكید و التخلت خَنَاسون لأنهم یتحینون غفلات الناس و یتسترون بأنواع الحیل لکیلا یشعر الناس بهم.

فالتعریف فی الْخَنَاسِ علی وزن تعریف مو صوفه، و لأن خواطر الشر یهم بها صاحبها فیطرق و یتردد و یخاف تبعاتها و تزجره النفس اللّوامة، أو یزعه وازع الدین أو الحیاء أو خوف العقاب عند الله أو عند الناس ثم تعاوده حتی یطمئن لها و یرتاض بها فیصمم علی فعلها فیقتربها، فکأن الشیطان یدو له ثم یختفی، ثم یدو ثم یختفی حتی یتمکن من تدلیته بغرور.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (ج ۲۰، ص: ۳۹۷) چنین می‌فرماید:

و **الخناس** صیغة مبالغة من **الخنوس** بمعنى الاختفاء بعد الظهور قیل: سمي الشیطان **خناسا** لأنه یوسوس للإنسان فإذا ذکر الله تعالى رجع و تأخر ثم إذا غفل عاد إلى وسوسته.^۱

با توجه به معانی ذکر شده در لغت نامه ها و تفا سیر برای واژه و سواس، قدر مشترک جامع برای این کلمه بدین صورت است:

❖ **خناس**، اسم مبالغه از ماده خنوس است و به معنای ظهور بعد از اختفاء می‌باشد و اشاره به شدت و کثرت اختفا دارد. در اینجا صفت برای و سواس است. شیطان را از این جهت خناس می‌گویند که به طور مداوم آدمی را وسوسه می‌کند، و به محضی که انسان به یاد خدا می‌افتد پنهان می‌شود و عقب می‌رود، باز همین که انسان از یاد خدا غافل می‌شود، جلو می‌آید و به وسوسه می‌پردازد.

۱- و کلمه "خناس" صیغه مبالغه از مصدر "خنوس" است که به معنای اختفای بعد از ظهور است. بعضی گفته‌اند: شیطان را از این جهت خناس خوانده که به طور مداوم آدمی را وسوسه می‌کند، و به محضی که انسان به یاد خدا می‌افتد پنهان می‌شود و عقب می‌رود، باز همین که انسان از یاد خدا غافل می‌شود، جلو می‌آید و به وسوسه می‌پردازد. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص: ۶۸۹)

به تبیین انطباق مفهوم وسواس خناس بر جوسازی رسانه ای برمی گردیم:

مقام معظم رهبری، مقابله ی دشمن با ایجاد تحوّل در عرصه های مختلف کشور را مصداقی از وسواس خناس می دانند و در این باره می فرمایند:

یک نکته‌ی دیگر این است که تحوّل کار بسیار دشواری است. گفتنِ به زبان آسان است که تحوّل ایجاد کنید؛ لکن تحوّل در عمل خیلی کار مشکلی است؛ علّت هم این است که مقاومت هایی در مقابل تحوّل هست. بعضی مقاومت ها از روی سوء نیت نیست؛ بعضی ها حال و حوصله‌ی تغییرات بنیانی را ندارند، بعضی ها توانش را ندارند، بعضی هم ممکن است از وضع موجود منتفع باشند و نخواهند این وضع، تغییر پیدا بکند؛ البته در بیرون دستگاه قضائی هم شبکه‌ی درهم تنیده‌ی مجرم و مفسد و مانند اینها هم هست که اینها هم قهراً مخالفند؛ پشت سر همه‌ی اینها هم نگاه دستگاه‌های دشمن و معاند با نظام جمهوری اسلامی است که اصلاً هر حرکت اصلاحی در هر جای جامعه‌ی اسلامی اتّفاق بیفتد، اینها ناراحت میشوند، مقابله میکنند، جوسازی میکنند. اینها مخالفینند؛ مخالفین هم آرام نمی‌نشینند.

شما با قوّت، با روحیه، با شجاعت وارد میدان تحوّل میشوید، آنها هم آرام نمی‌نشینند، آنها هم شروع میکنند به مقابله کردن. جوسازی میکنند؛ گاهی اوقات **جوسازی‌های رسانه‌ای** است، جوسازی‌های پیگیر است، در افکار عمومی مردم وسوسه ایجاد میکنند که واقعاً یکی از مواردِ «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ» اینجا است.

یکی از کارهایی که میتوانند بکنند این است که عزم راسخ سردمداران تحوّل را متزلزل کنند؛ دائماً مشورت‌های گوناگون که «این کار مصلحت نیست»، نگذارند این کار انجام [بشود]. بنابراین، مقاومت در مقابل تحوّل، از [جانب] این جناح‌های مختلفی که اشاره کردیم فراوان خواهد بود.^۱

مقام معظم رهبری درباره حرکت رسانه ای دشمن، نیز می فرمایند:

«یک نقطه‌ی دیگر از عرصه‌های درگیری، فهم درست واقعیتهای ایران و جهان است. اینکه شما فهم درستی از واقعیتهای کشورتان داشته باشید، به ضرر آنها است؛ با این مخالفند، با این مبارزه میکنند؛ با چه ابزاری؟ با ابزار بسیار خطرناک رسانه، بخصوص رسانه‌هایی که امروز نوپدید است. با تصویرسازی

۱- بیانات در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه - ۱۳۹۹/۰۴/۰۷

غلط سعی میکنند افکار ملت ایران را منحرف کنند؛ هم تصویر غلط درباره‌ی ایران، هم تصویر غلط درباره‌ی خودشان، هم تصویر غلط درباره‌ی اوضاع منطقه^۱»

«یک مسئله‌ی تصویرسازی دشمن هم هست؛ الان یک جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای بسیار تندی علیه ما وجود دارد، درست مثل جنگ تحمیلی. الان امکانات تبلیغاتی و رسانه‌ای ما در مقابل دشمن، مثل امکانات آن روز ما است در مقابل دشمن؛ البته آن روز ما غلبه کردیم بر دشمن، امروز هم غلبه خواهیم کرد؛ بدون تردید غلبه خواهیم کرد، اما وضع این است. با آن امکانات وسیع، مهم‌ترین کاری که دشمن می‌خواهد بکند تصویرسازی غلط از وضع کشور است؛ نه فقط برای اغوای افکار عمومی دنیا بلکه حتی برای اغوای افکار عمومی داخل خود کشور؛ حتی داخل خود کشور! یعنی حرف می‌زنند برای اینکه بنده و جنابعالی که خودمان در این فضا داریم تنفس میکنیم، چیز دیگری فرض کنیم غیر از آن واقعیتی که وجود دارد^۲»

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، مقام معظم رهبری، **جوسازی رسانه‌ای دشمن در مقابل ایجاد تحول و حرکت اصلاحی کشور را جزء مصادیق مفهوم «وسواس خناس»** شمردند.

یعنی دشمن با استفاده از جوسازی رسانه‌ای، در افکار عمومی مردم به صورت نامحسوس، القاء باطل میکند و نسبت به حرکت اصلاحی کشور و تحول، دائماً به وسوسه (با معنایی که ذکر شد) می‌پردازد. یکی دیگر از خصوصیات رسانه دشمن، این است که خودش را بطور صریح در منظر نگاه مردم قرار نمیدهد و دائماً در ظهور و خفاء است تا اینکه مردم نتوانند درست تشخیص دهند.

۱- همایش ۱۰۰ هزار نفری بسیجیان در ورزشگاه آزادی - ۹۷/۰۷/۱۲

۲- دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی - ۹۷/۰۷/۲۵

بنابراین آنچه در وسواس خناس قابل دقت است، دو نکته است:

- (۱) افکار باطل و منفی را به صورت مخفی و نامحسوس در ذهن انسان ها القا می کند.
 - (۲) خودش نیز در حال ظهور و خفا است؛ یعنی اینگونه نیست که همیشه جلوی چشم باشد.
- جوسازی رسانه‌ای دشمن نیز (با توجه به رصد دقیق آنها) همینگونه است. لذا افکار عمومی مردم را تحت تأثیر خود قرار میدهد و نوع مردم توان شناخت حق از باطل را ندارند.
- در این توضیح می بینیم که یک فقیه، چگونه از یک آیه در مدیریت سیاسی اجتماعی کشور استفاده میکند و تنبه میدهد.
- اینکه گفته میشود دین در امور کشورداری نمیتواند پاسخگو باشد، سخنی بی پایه است و این نمونه که ذکر شد، یک مشت از خروار است.